ازدواج‌های خویشاوندی در اوسنه‌های عامیانه‌ی «بندرخمیر» و «بستک» (هرمزگان)

مصطفی سعادت*

تاریخ دریافت:۹۶/۰۴/۱۴
تاریخ پذیرش:۹۶/۱۱/۰۸

چکیده

مطالعات متعدد نشان داده که ازدواج با خویشاوند، با افزایش احتمال ابتلای فرزندان به بسیاری از بیماری‌ها همراه است. فراوانی این ازدواج‌ها توزیع جغرافیایی دارد؛ در میان جمعیت‌های آسیایی و آفریقایی از جمله در کشورهای اسلامی، زیاد و در میان جمعیت‌های غربی بسیار اندک است. با عنایت به خطرات متعدد این‌گونه ازدواج‌ها، باید تلاش شود علل گرایش به آن در میان هر جمعیت شناخته شود تا با شناخت ریشه‌های فرهنگی این ازدواج، در راستای کاهش آن در جامعه اقدام شود. در مقاله‌ی حاضر، به بررسی پیشینه‌ی این گونه ازدواج‌ها در اوسنه‌های عامیانه‌ی مردم «بندرخمیر» و «بستک» می‌پردازیم. با بررسی ۷۰ داستان عامیانه از بندرخمیر، ۳۵ ازدواج ـ ۲۶ مورد ازدواج با ناخویشاوند و ۹ مورد ازدواج با خویشاوند ـ ثبت شده‌است. در بررسی ۱۳ داستان عامیانه از بستک، ۱۰ واقعه ازدواج ـ ازدواج ناخویشاوند و خویشاوند به ترتیب با ۹ و ۱ مورد ـ ثبت شده‌است. می‌توان نتیجه گرفت که این‌گونه ازدواج‌ها از سابقه‌ی تاریخی بسیار طولانی برخودار است، ریشه‌های بسیار عمیقی دارد و همین موضوع با نگرش مثبت به این ازدواج‌ها همراه است.

کلیدواژه‌ها: ازدواج خویشاوندی، اوسنه‌های عامیانه، هرمزگان، ایران.

*استاد ژنتیک بخش زیست‌شناسی، دانشکده‌ی علوم دانشگاه شیراز
saadat@shirazu.ac.ir

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

۱ـ مقدمه

ازدواج و انتخاب همسر از مهمترین رخدادهای زندگی هر فرد است و از جمله دغدغه‌های مهم افراد در جوامع مختلف به شمار می‌رود. بررسی عوامل مؤثر در ملاک‌های انتخاب همسر، موضوعی است که در حوزه‌های گوناگون علوم‌انسانی مورد پژوهش قرار می‌گیرد. ازدواج با خویشاوند[1] موضوع قابل توجه متخصصین رشته‌های ژنتیک انسانی[2]، ژنتیک جمعیت[3]، جامعه‌شناسی و ... است (Bittles, 2001: 89 - 98). در علم ژنتیک، به افرادی خویشاوند اطلاق می‌شود که در ۵-۴ نسل گذشته‌ی خود دارای حداقل یک نیای مشترک باشند (سعادت و امیرشاهی، ۱۳۹۱: ۲۷۸-۲۷۶). به دلیل اینکه خویشاوندان دارای نیا (یا نیاکان) مشترک هستند، آلل‌هایی[4] را با منشأ مشترک حمل می‌کنند(۱). هر فردی برای هر جایگاه ژنی، دو آلل دارد که یکی از آنها را از پدر و دیگری را از مادرش دریافت کرده‌است. تشابه ژنتیکی خویشاوندان با یکدیگر سبب می‌شود پس از ازدواج آنان با یکدیگر، صاحب فرزندانی شوند که برای این آلل‌ها به صورت «هموزیگوت»[5] (خالص) درآیند. در ژنتیک به این احتمال، «ضریب درون‌زادآوری» (F) گفته می‌شود (همان: ۲۸۵-۲۷۸). هر چه میزان خویشاوندی دو فردی که با هم ازدواج کرده‌اند بیشتر باشد، ضریب درون‌زادآوری زاده‌ها بیشتر می‌شود. در «ژنتیک جمعیت»، میانگین «ضریب درون‌زادآوری افراد یک جمعیت»[6] با α نشان داده می‌شود که مشخص کننده‌ی میانگین هموزیگوتی افراد جامعه ناشی از ازدواج با خویشاوند در نسل والدی است.

۲ـ اثرات نامطلوب ازدواج‌های خویشاوندی

ازدواج با خویشاوند، با افزایش احتمال خطر ابتلا به بسیاری از بیماری‌ها در فرزندان همراه است؛ نظیر بیماری‌های قلبی ـ عروقی، آسم، اسکیزونی، اختلال دو قطبی، عقب‌ماندگی ذهنی، بیماری‌های تک‌ژن مغلوب غیرجنسی، مسمومیت‌حاملگی، اعتیاد و ... (Mansour et al, 2010: 108- 112; Mansour, 2009: 879- 888; Nafissi et al, 2010: 195-200; Nafissi, 2011: 298- 299; Saadat and Vakili-Ghartavol, 2010: 57- 59; Anvar et al, 2011: 5-7). در جمعیت‌هایی که فراوانی ازدواج با خویشاوند در آنها بیشتر است، بروز[7] سالیانه‌ی خودسوزی (Saadat and Zendeh-Boodi, 2006: 708-711)، سرطان خون (Saadat 2015:7)، و میزان مرگ و میر پیش و پس از سن بلوغ (Saadat, 2007:35-39)، افزایش و امید به زندگی کاهش معناداری نشان می‌دهد (Saadat, 2011:475-480).

فراوانی ازدواج‌های خویشاوندی در جمعیت‌های آسیایی و افریقایی از جمله در

1. Consanguineous marriage
2. Human genetics
3. Population genetics
4. Allele
5. Homozygote
6. Inbreeding coefficient
7. Incidence

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

کشـورهای اسـلامی، زیـاد و در جمعیت‌هـای اروپایـی بسـیار انـدک اسـت (Bittles, 2001: 89-98; 2013: 675-685, El-Kheshen and Saadat Othman and Saadat, 2009: 685-692; Saadat et al, 2004: 263-269; Shawky et al, 2011:157-163; Saadat and Tajbakhsh, 2013: 799- 805; Saify and Saadat, 2012: 73-81; Rafiee and Saadat, 2011: 47-50; Anvar et al, 2011: 5-7). عوامـل گوناگـون فرهنگـی و اقتصـادی در تمایـل بـه ازدواج بـا خویشـاوند ایفـای نقـش می‌کنـد. در ایـران ازدواج بـا خویشـاوند بسـامد بالایـی دارد. در جمعیت‌هـای شـرقی، جنوبـی و غربـی کشـور فراوانـی ازدواج‌هـای خویشـاوندی بیـش از سـایر نواحـی اسـت (Saadat et al, 2004: 263- 269).

۳ـ فرهنگ عامیانه و پژوهش حاضر

«فرهنـگ عامـه» از جملـه «افسـانه‌های عامیانـه»، بـه منزلـه‌ی آیینـه‌ای اسـت که بـا دقت در آن می‌تـوان ریشـه‌های بسـیاری از نگرش‌هـا و گرایش‌هـای قومـی را شناسـایی کـرد. «افسـانه‌های عامیانـه» کهن‌تریـن اثـری اسـت کـه از اندیشـه و تخیـل انسـان نشـأت گرفتـه و بـه جـای مانده‌اسـت (ذوالفقـاری، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۱، ۷۵-۷۲). همچنیـن بـا عنایـت بـه خطرهـای ازدواج بـا خویشـاوند کـه سـلامت فرزنـدان را بـه مخاطـره می‌انـدازد و هزینه‌هـای هنگفـت آشـکار و پنهانـی را بـر جامعـه تحمیـل می‌کنـد، شایسـته اسـت کـه علـل فرهنگـی گرایـش بـه ایـن نـوع از ازدواج در میـان جمعیت‌هـا شناسـایی شـود. امیـد اسـت شـناخت ریشـه‌های فرهنگـی تمایـل بـه ایـن نـوع از ازدواج، بتوانـد بـه متخصصـان و سیاسـت‌گذاران بهداشـت عمومـی کمـک سـازد تـا در راسـتای کاهـش آن در جامعـه گام‌هایـی درسـت و منطقـی بردارنـد. در بررسـی فراوانـی ازدواج‌هـای خویشـاوندی در ایـران، مشـخص شـده کـه اسـتان هرمـزگان بـا میانگیـن ضریـب درون‌زادآوری (α) برابـر بـا ۰/۰۲۵۷ از جملـه اسـتان‌هایی اسـت کـه در آن میـزان فراوانـی ایـن نـوع از ازدواج بسـامد بسـیار بالایـی دارد (سـعادت، ۱۳۸۱: ۴۳). بـه همیـن سـبب، در مقالـه‌ی حاضـر بـه بررسـی میـزان فراوانـی ازدواج بـا خویشـاوندان در افسـانه‌های عامیانـه‌ی دو منطقـه از اسـتان هرمـزگان خواهیـم پرداخـت.

۴ـ روش‌شناسی

در ایـن مطالعـه، از افسـانه‌های عامیانـه‌ی گـردآوری شـده از دو شهرسـتان «بسـتک» و «بندرخمیـر» در اسـتان هرمـزگان اسـتفاده شده‌اسـت. منابـع اصلـی قصه‌هـای عامیانـه‌ی مـا در پژوهـش حاضـر بـه ترتیـب توسـط آقایـان «محمـد بالونـد» و «سـیدعبدالجلیل قتالـی» ـ که از پژوهشـگران بومـی اسـتان هرمـزگان هسـتند ـ تدوین شده‌اسـت. پـس از مطالعه‌ی هر داسـتان، اگـر مشـخص می‌شـد کـه زوجیـن بـا یکدیگـر نسـبت خویشـاوندی ندارنـد، آن ازدواج جـزء ازدواج‌هـای ناخویشـاوندی و اگـر خویشـاوندی زن و شـوهر بـا یکدیگـر مشـخص می‌شـد، آن ازدواج بـه عنـوان ازدواج بـا خویشـاوند بـه شـمار می‌رفـت. در مـورد ازدواج بـا خویشـاوند، نسـبت خویشـاوندی زوجیـن نیـز مشـخص می‌شـد. در صورتی‌کـه در داسـتان پیشـنهاد ازدواجـی خویشـاوندی مطـرح می‌شـد، ولـی آن ازدواج تحقـق نمی‌یافـت نیـز بـدان اشـاره می‌شـد.

ضریـب درون‌زادآوری (F) بـرای فرزنـدان حاصـل از ازدواج خویشـاوندان درجـه سـه (نظیـر

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

ازدواج دخترعمو با پسرعمو و دخترخاله با پسرخاله)، برابر با ۰/۰۶۲۵ محاسبه می‌شود و برای فرزندان حاصل از ازدواج خویشاوندان درجه یک (یعنی ازدواج والد با فرزند و خواهر با برادر) برابر با ۰/۲۵۰۰ (سعادت و امیرشاهی، ۱۳۹۱: ۲۷۸-۲۷۶). در هر جمعیت با توجه به فراوانی ازدواج‌های خویشاوندی و ضرایب F فرزندان، مقدار میانگین آن در جمعیت (α) محاسبه شد.

۵ـ ازدواج‌های خویشاوندی در اوسنه‌های «بندرخمیر» و «بستک»

با بررسی ۷۰ داستان عامیانه از بندرخمیر مشخص شد که در ۱۸ داستان، افراد خویشاوند با هم ازدواج کرده‌اند. در این ۱۸ داستان، ۳۵ ازدواج ثبت شده‌است (جدول یک). از این تعداد، ۲۶ ازدواج بین افراد ناخویشاوند و در ۹ مورد، ازدواج بین خویشاوندان صورت گرفته‌است. در ۸ داستان از ۱۳ داستان عامیانه‌ی جمع‌آوری شده از بستک، نسبت خویشاوندی افرادی که با هم ازدواج کرده‌اند به روشنی روایت شده‌است. در این ۸ داستان، ۱۰ واقعه‌ی ازدواج ثبت شده‌است (جدول دو). فراوانی ازدواج بین ناخویشاوندان و خویشاوندان به ترتیب ۹ و ۱ مورد است.

در اوسنه‌های عامیانه‌ی گردآوری شده از سایر نقاط کشور نیز ازدواج‌های خویشاوندی گزارش شده‌است (Saadat, 2007: 38-40). سابقه‌ی ازدواج با خویشاوند را در ادبیات حماسی ملی نیز می‌توان یافت (فردسی، ۱۳۶۳، ج۲: ۱۱۲-۱۰۸؛ ثعالبی مرغنی، ۱۳۷۲: ۱۱۱-۱۱۰). «آذرباد مهرسپندان»، از دانشمندان زرتشتی قرن سوم هجری، در اندرزهایش ازدواج با خویشاوند را توصیه می‌کند و هشدار می‌دهد که نباید آن را به دست فراموشی سپرد. وی در این‌باره می‌نویسد: «زن از پیوند خویش گیرید تا که پیوندتان دورتر رود! چه آشوب و زیان عمده‌ای که به دامان هرمزد آمد، بیشتر از آن روی بود که دخت خویش بیرون از پیوندشان دادند و برای پسر خویش دخت کسان به زنی خواستند تا دوده تباه گردد.» (اشه و سراج، ۱۳۷۹: ۹۴).

۶ـ ازدواج با خویشاوندان درجه اول در اوسنه‌های «بندرخمیر» و ایران باستان

در داستان «جواهر و گاو طلایی»، پدری به دخترش پیشنهاد ازدواج می‌دهد (قتالی، ۱۳۸۹: ۱۰۸-۱۰۱). روایت شده که مردی همسرش را از دست داده‌است و با دخترش زندگی می‌کند. دختر بزرگ می‌شود و روزی طلا و زیورآلاتی را که از مادرش مانده بود، می‌یابد و آنها را می‌پوشد. در همین هنگام پدر بی‌خبر و یک‌باره سر می‌رسد و دخترش را می‌بیند؛ در حالی که با استفاده از زیورآلات مادرش بر زیبایی او صد چندان افزوده شده بود. هر چند در داستان به صراحت روایت نشده که پدر عاشق دخترش شده است، ولی پدر می‌گوید: «حالا می‌بینم که چقدر بر زیباییت افزوده شده و چقدر به مادرت شبیه شده‌ای. من مادرت را خیلی دوست داشتم؛ به همین دلیل پس از فوت او ازدواج نکردم. چون تاکنون زنی به زیبایی مادرت پیدا نکرده‌ام. اما حالا تصمیم به ازدواج گرفته‌ام، چون تو همان زن زیبایی هستی که من در تصوراتم دنبالش بودم.»

در ادامه‌ی داستان، دختر از پدر می‌پرسد که «مگر تا حالا کسی با دختر خودش

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

ازدواج کرده‌است؟» با این سخن دختر مخالفت خود را با پیشنهاد داده شده اعلام می‌کند. البته پدر به این مخالفت وقعی نمی‌نهد و مقدمات مراسم عروسی را فراهم می‌سازد. اما آیا در جامعه‌ی آن روز، ازدواج والد با فرزند بدون سابقه بوده‌است؟

اگر این گونه ازدواج در جامعه بی‌سابقه بود، بدون شک با مخالفت عمومی نیز روبرو می‌شد و این مخالفت به نوعی در داستان بازتاب می‌یافت. باید توجه داشت که بسیاری از داستان‌های عامیانه دارای قدمتی بسیار کهن هستند و شمار زیادی از آنها مربوط به پیش از گرویدن ایرانیان به «اسلام» است (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۱، ۷۵-۷۲).

در اسلام، ازدواج با خویشاوندان درجه یک حرام شمرده شده‌است؛ بنابراین، بسیار بدیهی به نظر می‌رسد که اگر در اصل داستان گفته‌ی دختر ـ که «تاکنون هرگز پدری با دخترش ازدواج نکرده‌است؟» ـ واقعیت خارجی می‌داشت؛ یعنی این ازدواج از نظر قانونی، شرعی و عرفی مذموم بوده و سابقه نداشته‌است، چون همخوانی کاملی با دین جدید پذیرفته شده یعنی اسلام دارد، باید خیلی پررنگ در داستان انعکاس می‌یافت. در صورتی که در روایت نمی‌توان نشانی را از مخالفت اجتماعی با «پیشنهاد ازدواج پدر با دخترش» یافت؛ بنابراین پذیرفتنی می‌نماید که بپذیریم مخالفت دختر با پیشنهاد پدرش، به علت بی‌سابقه بودن این نوع ازدواج یا مذموم بودن آن در اجتماع زمان داستان نبوده، بلکه علت دیگری داشته‌است. بنابراین جمله‌ی نسبت داده شده به دختر، از اضافات بعدی داستان است تا اینکه روایت با اسلام و محیط فکری ناشی از آن انطباق بیشتری یابد. در ادامه‌ی داستان، روایت شده‌است که دختر راهی می‌یابد تا از خانه فرار کند.

در داستان‌های عامیانه‌ی گردآوری شده از سایر نقاط کشور، می‌توان به مواردی از ازدواج «خواهر با برادر»، «مادر با پسر» و «پدر با دختر» اشاره کرد (رحمانی، ۱۳۷۸: ۲۳۸-۲۲۶، ۳۵۹-۳۵۶، ۴۲۳-۴۱۷؛ میهن‌دوست، ۱۳۷۸: ۳۲-۲؛ خزاعی، ۱۳۷۹، ج۳: ۱۰۷-۹۳، ۱۴۵-۱۱۹). در حماسه‌های ملی همچنین در داستان عاشقانه‌ی «ویس و رامین» نیز می‌توان به نمونه‌هایی از ازدواج یا پیشنهاد ازدواج افراد درجه یک با یکدیگر اشاره کرد؛ مانند ازدواج «دارای بزرگ» با دخترش «همای» (فردوسی ۱۳۶۳، ج۵، ص۹؛ ثعالبی مرغنی ۱۳۷۲: ۲۲۶-۲۲۵)، پیشنهاد ازدواج «ویس» با برادرش «ویرو» (اسعدگرگانی، ۱۳۹۲: ۱۱-۱) و پیشنهاد ازدواج «سیاوش» با یکی از خواهران ناتنی‌اش (فردوسی، ۱۳۶۳، ج۲: ۱۱۲-۱۰۹).

در سخنان بازمانده از «زرتشت» گفته‌ای وجود ندارد که با توجه به آن بتوان مشخص کرد که نگرش وی نسبت به ازدواج با خویشاوند؛ به ویژه ازدواج با خویشاوندان درجه‌ی اول مثبت یا منفی بوده‌است. با این حال در رساله‌ای که در فقه زرتشتی نگاشته شده‌است، ازدواج مردی را با دختر یا خواهر خویش یعنی «خویدودس» تأیید می‌کند و آن را دارای ارزش اخروی می‌داند (آذر فرنبغ، ۱۳۸۴: ۱۲۴-۱۲۳). در «شایست ناشایست» نیز این‌گونه ازدواج‌ها ستوده و از بین برنده‌ی گناهان معرفی شده‌است (بی‌نام، ۱۳۶۹: ۲۳۳ و ۱۰۱). ازدواج با خویشاوندان درجه ی اول یکی از مشخصه‌های بارز ایرانیان دانسته شده‌است (آتنایس، ۱۳۸۶: ۲۷-۲۶؛ زنگی بخاری، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

۷ـ فراوانی بیشتر ازدواج میان فرزندان دو برادر

در ازدواج‌های خویشاوندی گزارش شده، ازدواج دخترعمو با پسرعمو ۸ مورد، ازدواج دخترخاله با پسرخاله ۱ مورد و ازدواج پدر با دختر ۱ مورد بود. جالب توجه اینکه در ایران (Saadat et al, 2004: 263- 269) و برخی از کشورهای همسایه (Othman and Saify and Saadat, 2012: 73- 81 ; & El-Kheshen and Saadat 2013: 675- 685 , Saadat, 2009: 685- 692). نیز فراوانی ازدواج میان فرزندان دو برادر به مراتب بیش از ازدواج میان فرزندان دو خواهر است. در استان هرمزگان نیز ازدواج دخترعمو با پسرعمو به مراتب بیش از ازدواج دخترخاله با پسرخاله صورت می‌گیرد (سعادت، ۱۳۸۱: ۴۳). این احتمال هست که این تفاوت به علت تسلط پدران بر خانواده یعنی نظام پدرسالاری باشد (Saadat et al, 2004: 263- 269). جالب توجه اینکه ثعالبی داستانی روایت می‌کند که در زمان «کی‌قباد کیانی» رخ داده و در آن ازدواجی میان پسرعمو و دخترعمو صورت گرفته‌است (ثعالبی مرغنی، ۱۳۷۲: ۱۱۱-۱۱۰). در شاهنامه‌ی فردوسی نیز روایت شده‌است که «سودابه»، چندین دختر از خویشاوندان را به منظور ازدواج با سیاوش معرفی می‌کند؛ از جمله دخترعموی سیاوش (فردوسی، ۱۳۶۳، ج۲: ۱۱۲-۱۰۹).

«ضرب‌المثل‌ها» از دیگر عناصر مهم «فرهنگ عامه» است که به راحتی می‌توان انعکاس بسیاری از باورها و نگرش‌های غالب افراد جامعه را در آنها یافت. ضرب‌المثل «عمو حمایت‌کننده و دایی هیچ است» (رستم نژاد دشتی، ۱۳۸۶: ۷۸)، غالب بودن سنت «پدر سالاری» را در جامعه نشان می‌دهد. در جامعه، افراد خویشاوند بیش از ناخویشاوند با هم در تعامل هستند و همین امر به بروز تضاد منافع در میان آنان منجر می‌شود. ضرب‌المثل‌های «خودت را بکش، ولی خود را محتاج خویشاوندان مکن» (قتالی، ۱۳۸۶: ۱۵۷)، «غریبی که وفا کند، خویشم است؛ خویشی که جفا کند، دل ریشم است» (همان: ۵۰۱)، «هرجا خویشاوندان هستند بلا بیشتر است» (همان: ۷۲۶) و «هر که خویشاوند است، خار و نیش است» (رستم‌نژاد دشتی، ۱۳۸۶: ۸۶)، به خوبی نشان‌دهنده‌ی این است که بین افراد خویشاوند، اصطکاک منافع کم نبوده‌است. جالب توجه اینکه ضرب‌المثل‌هایی مانند «کارد دسته‌ی خودش را نمی‌برد» (بالود، ۱۳۸۴: ۱۵۰؛ قتالی، ۱۳۸۶: ۵۲۰)، «گوشت را نمی‌شود از ناخن جدا کرد» (بالود، ۱۳۸۴: ۱۵۴) و «ناخن از گوشت جدا نمی‌شود» (قتالی، ۱۳۸۶: ۲۰۷) نشان می‌دهد که خویشاوندان در بدترین شرایط نیز بر ناخویشاوند ترجیح داده می‌شوند. این نگرش مثبت نسبت به خویشاوند باعث شده که در ازدواج به عنوان قراردادی اجتماعی، ازدواج بین خویشاوندان به وفور صورت گیرد و مردم جامعه آن را مثبت ارزیابی کنند. اگر در میان خویشاوندان، دخترانی مناسب برای پسری وجود داشته باشد و پسر با آنها ازدواج نکند و ناخویشاوند را برگزیند؛ آنگاه این ضرب‌المثل را خواهند گفت که «علف جلو خانه سهار است» (بالود، ۱۳۸۴: ۱۵۵). این گفته نگرش مثبت جامعه نسبت به ازدواج با خویشاوند و ترجیح دادن آن بر ازدواج با ناخویشاوند را نشان می‌دهد.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

جدول ۱: انواع ازدواج‌های روایت شده در اوسنه‌های بندرخمیر *

ردیف	نام داستان	صفحه	نوع و تعداد ازدواج
۱	جواهر و گاو طلایی	۱۰۸-۱۰۱	۱ پدر با دختر** / ۱ دخترعمو با پسرعمو
۲	رازداری	۱۹۰-۱۸۵	۱ غریب
۳	زن کم خوار	۲۱۸-۲۱۷	۱ غریب
۴	سرنوشت تغییر نمی کند	۲۲۲-۲۱۹	۱ غریب
۵	سرو حسین بصری	۲۲۸-۲۲۳	۲ غریب
۶	سنگ صبور	۲۳۲-۲۲۹	۲ غریب
۷	شاه کلاغ	۲۴۲-۲۳۳	۱ غریب / ۲ دخترعمو با پسرعمو
۸	شاه مار	۲۵۰-۲۴۳	۲ غریب / ۱ دخترعمو با پسرعمو
۹	شاه نیل	۲۵۶-۲۵۱	۱ غریب / ۱ دخترخاله با پسرخاله
۱۰	شمس‌الدین و نورالدین	۲۶۲-۲۵۷	۱ غریب / ۱ دخترعمو با پسرعمو
۱۱	عامو علی	۲۷۴-۲۷۱	۱ دخترعمو با پسرعمو
۱۲	قصر مکلل الجواهر	۳۱۶-۳۰۷	۱ غریب
۱۳	قصه دو برادر	۳۲۸-۳۲۱	۱ دخترعمو با پسرعمو
۱۴	کاکای ابوالقاسمی	۳۳۶-۳۲۹	۱ غریب
۱۵	کره سوزو	۳۴۲-۳۳۷	۲ غریب
۱۶	کره ابر و باد	۳۵۴-۳۴۳	۱ غریب
۱۷	ملک محمد و شهربانو	۳۸۰-۳۷۰	۸ غریب
۱۸	نیم لنگ	۳۸۸-۳۸۵	۱ غریب

*اقتباس از قتالی، سیدعبدالجلیل (۱۳۸۶)، مجموعه ضرب‌المثل‌های مشهور بندرخمیر (هرمزگان).

**از سوی پدری پیشنهاد ازدواج با دخترش مطرح می‌شود.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

جدول ۲: انواع ازدواج‌های روایت شده در اوسنه‌های بستک*

ردیف	نام داستان	صفحه	نوع و تعداد ازدواج
۱	شاه نیل	۱۱۳-۱۰۹	۱ غریب
۲	مهر سلیمان بن داوود	۱۲۲-۱۱۶	۱ غریب
۳	دختر چوپان	۱۲۵-۱۲۳	۱ غریب / ۱ دخترعمو با پسرعمو
۴	استاد بنا و دختر عاقل	۱۲۷-۱۲۵	۲ غریب
۵	ملا و دختر	۱۳۰-۱۲۷	۱ غریب
۶	مرد درویش	۱۳۱-۱۳۰	۱ غریب
۷	تاجر و فالگیر	۱۳۴-۱۳۲	۱ غریب
۸	میرشکار (مشکال)	۱۳۹-۱۳۴	۱ غریب

*اقتباس از بالود، محمد (۱۳۸۴)، فرهنگ عامه در منطقه بستک.

نتیجه‌گیری

در اوسنه‌های عامیانه‌ی «بندرخمیر» و «بستک»، بسامد ازدواج با خویشاوند به ترتیب برابر با ۷/۲۵ و ۰/۱۰ درصد است. میانگین ضریب درون زادآوری (α) در اوسنه‌های عامیانه‌ی «بندرخمیر» و «بستک» به ترتیب برابر با ۰۲۱۴/۰ و ۰۰۶۳/۰ است. روی هم‌رفته در دو جمعیت مورد مطالعه، بسامد ازدواج با خویشاوند برابر با ۲/۲۲ درصد (α = ۰۱۸۱/۰) خواهد شد. می‌توان نتیجه گرفت که این‌گونه ازدواج‌ها از سابقه‌ی تاریخی بسیار طولانی برخودار است، ریشه‌های عمیقی دارد و همین موضوع با نگرش مثبت به این ازدواج‌ها همراه است.

پی‌نوشت

۱ـ به شکل‌های متفاوت یک ژن، آلل گفته می‌شود.

منابع و مآخذ

آذر فرنبغ‌دادگی (۱۳۸۴)، *روایت آذرفرنبغ فرخزادان (رساله‌ای در فقه زرتشتی منسوب به سده‌ی سوم هجری)*، ترجمه حسن رضایی باغ بیدی، چاپ اول، تهران: مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی.

اسعد گرگانی، فخرالدین (۱۳۹۲)، *ویس و رامین*، تصحیح محمد روشن، چاپ پنجم، تهران: صدای معاصر.

اشه، رهام و سراج، شهین (۱۳۷۹)، *آذرباد مهرسپندان*، چاپ اول، تهران: فروهر.

آتنایوس، ناوکراتیس (۱۳۸۶)، *ایرانیات در بزم فرزانگان*، ترجمه‌ی جلال خالقی‌مطلق، چاپ اول، تهران: مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی.

بالود، محمد (۱۳۸۴)، *فرهنگ عامه در منطقه بستک*، چاپ اول، تهران: همسایه.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

بی‌نام (۱۳۶۹)، *شایست ناشایست*، ترجمه‌ی کتایون مزداپور، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
ثعالبی‌مرغنی، حسین بن محمد (۱۳۷۲)، *غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم*، ترجمه‌ی محمد روحانی با عنوان شاهنامه کهن، چاپ اول، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
خزاعی، حمیدرضا (۱۳۷۹)، *افسانه‌های خراسان*، ج۳ نیشابور، چاپ اول، مشهد: ماه‌جان.
ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴)، *زبان و ادبیات عامه ایران*، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم‌انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
رحمانی، روشن (۱۳۷۷)، *افسانه‌های دری*، چاپ اول، تهران: سروش.
رستم‌نژاد دشتی، یوسف (۱۳۸۶)، *میراث نیاکان*، چاپ اول، شیراز: ایلاف.
زنگی‌بخاری، محمد بن محمود بن محمد (۱۳۸۷)، *بستان العقول فی ترجمان المنقول*، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی.
سعادت، مصطفی و امیرشاهی، پریوش (۱۳۹۰)، *مبانی ژنتیک جمعیت*، چاپ دوم، شیراز: دانشگاه شیراز.
سعادت، مصطفی (۱۳۸۱)، *بررسی فراوانی ازدواج‌های خویشاوندی در ایران*، چاپ اول، شیراز: شورای پژوهش‌های علمی کشور و دانشگاه شیراز.
فردوسی، حکیم ابوالقاسم (۱۳۶۳)، *شاهنامه*، تصحیح ژول‌مول، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
قتالی، سیدعبدالجلیل (۱۳۸۶)، *مجموعه ضرب‌المثل‌های مشهور بندرخمیر (هرمزگان)*، چاپ اول، شیراز: ایلاف.
ـــــــــــ . (۱۳۸۹)، *هفتاد افسانه از افسانه‌های بندرخمیر (هرمزگان)*، چاپ اول، شیراز: ایلاف.
میهن‌دوست، محسن (۱۳۷۸)، *سنت‌شکن*، چاپ اول، تهران: توس.
Anvar, Z; Namavar-Jahromi, B & Saadat, M (2011), "*Association between consanguineous marriages and risk of pre-eclampsia*", Archives of Gynecology and Obstetrics 283 Suppl, 1:5-7.
Bittles, AH (2001), "*Consanguinity and its relevance to clinical genetics*", Clinical Genetics, 60: 89-98.
El-Kheshen, G & Saadat, M (2013), "*Prevalence of consanguineous marriages among Shi'a populations of Lebanon*", Journal of Biosocial Science, 45:675-682.
Mansour, H; Fathi, W; Klei, L; Wood, J; Chowdari, K & Watson et al. (2010), "*Consanguinity and increased risk for schizophrenia in Egypt*", Schizophrenia Research, 120:108-112.
Mansour, H; Klei, L; Wood, J; Talkowski M, Chowdari K, Fathi W, et al. (2009), "*Consanguinity associated with increased risk for bipolar I disorder in Egypt*", American Journal of Medical Genetics B Neuropsychiatry Genetics, 150B:879-885.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

Nafissi, S; Ansari-Lari, M & Saadat, M (2010), "*Effect of inbreeding on weight gain of offspring from birth to 12 months after birth: a study from Iran*", Journal of Biosocial Science, 42:195-200.
Nafissi, S; Ansari-Lari, M & Saadat, M (2011), "*Parental consanguineous marriages and age at onset of schizophrenia*", Schizophrenia Research, 126:298-299.
Othman, H & Saadat, M (2009), "*Prevalence of consanguineous marriages in Syria*", Journal of Biosocial Science, 41:685–692.
Rafiee, L & Saadat, M (2011), "*Prevalence of consanguineous marriages among Iranian Georgians*", Journal of Biosocial Science, 43:47-50.
Saadat, M (2007), "*Consanguinity associated with child and adult mortality in 24 Asian and African countries, an ecological study*", Iranian Journal of Public Health, 36:35-39.
Saadat, M (2007), "*Consanguinity marriages in Iranian folktales*", Community Genetics, 10:38-40.
Saadat, M (2011), "*Association between healthy life expectancy at birth and consanguineous marriages in 63 countries*", Journal of Biosocial Science, 43:475-480.
Saadat, M (2015), "*Age-standardized incidence rates for leukemia associated with consanguineous marriages in 68 countries, an ecological study*", Mediterranean Journal of Hematology and Infectious Disease, 2015;7:e2015027.
Saadat, M; Ansari-Lari, M & Farhud, D.D (2004), "*Consanguineous marriage in Iran*", Ann Hum Biol, 31:263-269.
Saadat, M & Tajbakhsh, K (2013), "*Prevalence of consanguineous marriages in west and south of Afghanistan*", Journal of Biosocial Science, 45:799-805.
Saadat, M & Vakili-Ghartavol, R (2010), "*Parental consanguinity and susceptibility to drug abuse among offspring, a case-control study*", Psychiatry Research, 180:57-59.
Saadat, M & Zendeh-Boodi, Z (2006), "*Correlation between incidences of self-inflicted burns and means of inbreeding coefficients, an ecologic study*", Annals of Epidemiology, 16:708-711.
Saify, K & Saadat, M (2012), "*Consanguineous marriages in Afghanistan*", Journal of Biosocial Science, 44:73-81.
Shawky, RM; El-Awady, MY; Elsayed, SM & Hamadan, GE (2011), "*Consanguineous matings among Egyptian population*", Egyptian Journal of Medical Human Genetics, 12:157-163.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

Consanguineous marriages in Bandar Khamir and Bastak (Hormozgan province) folktales

M. Saadat[1]

Abstract

Numerous studies indicated that consanguineous marriages are associated with the increased risk for several diseases. The prevalence of consanguinity has a geographical distribution, it is high among Asian and African populations, including Islamic countries and very rare in European populations. Given the hazards effects of such marriages on health of offspring, efforts should be made to identify the reasons of its tendency in each population and its cultural roots can be identified in order to reduce it in the population. In the present study the frequency of consanguinity in folktales collected form Bandar Khamir and Bastak (Hormozgan province) was investigated. In 70 folktales from Bandar Khamir, 35 marriages were recorded. From these, 26, 1, and 8 were marriages between unrelated persons, first-degree relatives and first cousins, respectively. In 13 folktales collected form Bastak, 10 marriages (9 with unrelated and 1 with first cousins) were recorded. It may conclude that consanguineous marriage is a deeply rooted cultural trait and it is associated with positive attitude to this type of marriages.

Keywords: Consanguineous marriages, Hormozgan province, Folktales, Iran.

1. Professor, Department of Biology, College of Sciences, Shiraz University, Shiraz 71467-13565, Iran.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]